

از دیدگاه قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم السلام)

بازی

چیسستی، چیرایی و چگونگی

یگانه منطقی

کارشناس ارشد رشته تاریخ و فلسفه
آموزش و پرورش (مدرس قرآن کریم)

چکیده

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: نخست، جایگاه بازی کودک را در قرآن و سپس در سنت معصومین (ع) مورد بررسی قرار می‌دهد و در آخر، کمیّت و کیفیت بازی کودک را از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع) ارزیابی می‌نماید. مطابق یافته‌های این تحقیق، لزوم بازی کودک در قرآن و نیز در روایات و سیره معصومین (ع) با مستندات زیادی مورد تأیید قرار گرفته است. از لحاظ کمیّت بازی، اسلام آزاد گذاردن کودک در هفت سال اول را مورد تأکید قرار داده و برای سنین بالاتر نیز تفریح و سرگرمی را لازم شمرده است. در این میان، از لحاظ کیفیت، نوع بازی و محیط آن باید ویژگی‌هایی داشته باشد که به رشد همه جانبه کودک منجر گردد.

◀ کلیدواژه‌ها: بازی، کودک، تربیت، قرآن، سنت معصومین (ع)



مقدمه

بازی وسیله‌ای است برای یادگیری، آمادگی نسبت به زندگی، ابتکار، کسب موفقیت و سرشار شدن از شادی و نشاط، رشد اندام، اجتماعی شدن کودک، ارضای میل برتری جویی و خودنمایی، تسکین عواطف و بیرون ریختن ناراحتی‌ها، شناخت شخصیت کودک و رشد شخصیت او و نیز مبارزه با رفتارهای اضطرابی کودک. به‌طور خلاصه، بازی، موجبات رشد همه جانبه کودک را در بعد جسمی، عاطفی، عقلی و اخلاقی فراهم می‌آورد.

نقش اساسی بازی در تربیت کودک، مطلبی است که هم در قرآن و هم در سنت معصومین (ع) یعنی در گفتار و کردار ایشان مورد تأکید قرار گرفته است؛ نکات زیر، مبتنی اهمیت تحقیق حاضر است:

اساسی بودن بازی برای رشد همه جانبه کودک، اهمیت بازی کودک در قرآن و سنت و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب جهت مقایسه دیدگاه اسلام با یافته‌های علمی جدید.

بخش اول: جایگاه بازی کودک در قرآن

«اللعب» در معانی مختلفی از جمله بازی کردن، شادی کردن و شوخی کردن به کار می‌رود. «لهو» در لغت به معنای چیزی است که انسان را سرگرم و فکرش را منحرف کند و او را از چیزی غافل نماید. اما اگر بازی و سرگرمی، معنی «لهو» به خود نگیرد، یعنی موجب مشغولیت بیهوده فکر و بازداشتن انسان از مسائل مهم و جدی زندگی و اتلاف عمر نباشد و در یک کلمه، هدفدار، سازنده و عقلایی باشد، اشکالی ندارد (صبوری، ۱۳۸۲: ۶۱). خداوند در قرآن کریم، به همه ابعاد زندگی بشری توجه نموده و راهنمایی‌های لازم را برای سعادت انسان در دنیا و آخرت مبذول داشته است. بازی کودک نیز از جمله موضوعاتی است که به‌طور غیرمستقیم در سوره یوسف به آن سفارش شده است. در داستان آموزنده یوسف و برادرانش، از زبان برادران یوسف، چنین می‌خوانیم:

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ، أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ (يوسف / ۱۲ و ۱۱)

گفتند پدر، چرا درباره یوسف از ما ایمن نیستی؟ با اینکه ما خیر خواه او هستیم. او را فردا همراه ما بفرست تا بگردد و بازی کند و ما نگهدار او باشیم.

مسلماً چنین منطقی مورد قبول حضرت یعقوب (ع) است. به همین جهت پاسخی که وی به آن‌ها می‌دهد این نیست که مثلاً شما اشتباه می‌کنید و کودک معصوم من، اهل گردش و بازی نیست و نباید عمر عزیز خود را در این راه‌ها تلف کند و... اما از اینکه مبادا یوسف در اثر غفلت برادران طعمه گرگ شود، ابراز نگرانی می‌کند. پسران او در پاسخ می‌گویند:

لَئِن آكَلَهُ الذِّئْبُ وَ نَحْنُ عُصْبَهٗ اِنَّا اِذَا لَخٰسِرُوْنَ (يوسف / ۱۴): اگر او را گرگ بخورد، با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، از زیانکاران خواهیم بود.

آنان، بالأخره پدر را قانع می‌کنند و اما وقتی یوسف را با خود به صحرا می‌برند و در چاه می‌اندازند. می‌باید عذر موجهی برای پدر بیاورند و دلیل قانع کننده‌ای برای غفلت خود از یوسف ارائه دهند. لذا می‌گویند:

يَا اَبَانَا اِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِيْٓقُ وَ تَرٰكُنَا يُوْسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَاَكَلَهُ الذِّئْبُ (يوسف / ۱۷): ای پدر، ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم و گرگ او را خورد.



نقش اساسی بازی

در تربیت کودک.

مطلبی است که هم

در قرآن و هم در

سنت معصومین (ع)

یعنی در گفتار و

کردار ایشان مورد

تأکید قرار گرفته

است

برخی از نکاتی که از این داستان به دست می‌آید، عبارت‌اند از:

■ بازی در تقویت زور و بازو و قوت بدن نقش جدی دارد و از آنجا که نیرومندی و ورزشکار بودن مزیت و فضیلت است به همین دلیل برادران یوسف در دو جا مطرح می‌کنند که ما گروهی نیرومند و ورزشکاریم:

اعتراض نکردن حضرت یعقوب (ع) نشان می‌دهد که ایشان بازی را برای کودک لازم می‌داند و قرآن کریم نیز این امر را از یعقوب (ع) می‌پذیرد و او را به واسطه فرستادن یوسف (ع) به بازی مؤاخذه نمی‌کند.

■ بازی، تحرک و ورزش، بهتر است در هوای آزاد، محیط باز و فضای سبز صورت گیرد، به این جهت، برادران یوسف به پدر می‌گویند: «یرتع و يلعب»: تا یوسف در چمن و مراتع بگردد و بازی کند»

■ در حالی که برادران یوسف، بزرگ‌ترین و نابخشودنی‌ترین گناهان را مرتکب شده و به قول خودشان برادرشان را از روی غفلت به کشتن می‌دهند، بهترین و پیامبرپسندترین عذری که ارائه می‌کنند، اشتغال به ورزش و مسابقه ورزشی است و آن پیامبر هم به آنان خرده نمی‌گیرد که چرا به ورزش و مسابقه ورزشی پرداختید (صبوری، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۰). این نکات ظریف،

روشن می‌سازد که قرآن کریم بازی کودک را تأیید کرده و ضرورت آن را مورد توجه قرار داده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بازی طفل و به عبارت دیگر بازی‌های کودکانه، مقدمه است برای رسیدن به واقعیت‌های زندگی این دنیا و به همین جهت امری لازم و ضروری است.

بخش دوم: جایگاه بازی کودک در سنت معصومین (علیهم‌السلام)

۱. بازی کودکان

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم به اندازه خرد آن‌ها سخن بگوییم» (بهشتی، ۱۳۶۶: ۵۰). اگر برای توفیق در تعلیم و تزکیه انسان‌ها، پیامبران و الامقام خود را در سطح انسان‌های عادی قرار می‌دهند و به زبان آن‌ها تکلم می‌کنند، چه بهتر که انسان‌های بالغ، مخصوصاً پدرها و مادرها و معلمان و مربیان نیز لحظاتی بچگی کنند و اوقاتی با کودکان، هم‌بازی شوند تا بهتر و کامل‌تر بتوانند در تعلیم و تربیت آن‌ها موفق شوند (همان: ۵۱). به هر حال، بازی قسمتی از زندگانی اطفال را اشغال می‌کند و برای آن‌ها امری مهم به شمار می‌رود.

امام صادق (ع) فرمود:

دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعًا وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مَن لَّا خَيْرَ فِيهِ:

فرزندت را بگذار تا هفت سال بازی کند و هفت سال باید ادب شود و هفت سال باید ملازم او باشی. اگر رستگار شد چه بهتر و اگر نشد خیری در او نیست (بهشتی، ۱۳۶۶: ۸۰). در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است: **الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ:** کودک به مدت هفت سال بازی می‌کند و هفت سال قرآن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام می‌آموزد (همان: ۸۳).



فرزندت را بگذار تا هفت سال بازی کند و هفت سال باید ادب شود و هفت سال باید ملازم او باشی، اگر رستگار شد چه بهتر و اگر نشد خیری در او نیست

به نظر می‌رسد که برای کودکان، فقر اقتصادی قابل تحمل است اما فقر بازی قابل تحمل نیست. در خانه امیرالمؤمنین (ع) گاهی حسنین (ع) به شدت گرسنه می‌شدند و آذوقه‌ای نبود که سیرشان کند. کودکان این گرسنگی را با صبر و بردباری تحمل می‌کردند و محدودیت معیشت را به جان و دل می‌خریدند و جسم و جان خود را همچون پولاد آبدیده، صلابت و استقامت می‌بخشیدند اما همین کودکان در مسئله بازی به هیچ وجه «كفَّ نَفْس» نداشتند و با انواع بازی‌ها سرگرم بودند و با هر کس که بازی با او مفید بود- حتی با پیرمردی چون ابو رافع- بازی می‌کردند و البته بهترین و شایسته‌ترین هم‌بازی آن‌ها مقام رسالت و خاتمیت بود. رسول خدا (ص) چون از سفر باز می‌گشت، کودکان به دیدارش می‌شتافتند. نبی اکرم (ص) می‌ایستاد و آنان را می‌فرمود تا از سر و دوش او بالا روند و آنان چنین می‌کردند و نیز اصحاب را می‌فرمود تا برخی از کودکان را به دوش کشند. البته از دیدگاه آموزه‌های دینی، تفریح و سرگرمی فقط مخصوص کودکان نیست بلکه بزرگسالان نیز می‌توانند با سرگرمی‌های مناسب خود را از کسالت نجات دهند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: **خَيْرُ لَهْوِ الْمُؤْمِنِ السَّبَاحَةِ، وَ خَيْرُ لَهْوِ الْمَرْأَةِ الْمَغْزَلِ:** بهترین سرگرمی برای مرد با ایمان، شنا و بهترین سرگرمی برای زن با ایمان، ریسندگی است (محمدی ری شهری، ج ۸: ۵۳۴)



و نیز از قول پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: به سرگرمی و بازی بپردازید؛ زیرا من دوست ندارم که در دین شما سخت‌گیری و خشونت دیده شود (صبری، ۱۳۸۲: ۶۴).

بخش سوم: کمیت و کیفیت بازی کودک در قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام)

در بخش‌های قبل، لزوم بازی کودک را از منظر قرآن و سنت، بررسی کردیم. اکنون کمیت و کیفیت بازی را مدنظر قرار می‌دهیم و از بعد مدت، نوع و محیط به آن می‌پردازیم.

• مدت بازی

اسلام در هفت سال اول توصیه می‌کند تا به کودک آزادی داده شود تا در فضای پر از صفای آزادی هرچه دلش می‌خواهد جست‌وخیز کند. چرا که با جست‌وخیز کردن و تماس با دنیای فیزیکی، کودک در معرض تجارب و فعالیت‌های سازنده و سودمند قرار می‌گیرد. تجارب کودکان قبل از مدرسه در بازی آن‌ها خلاصه می‌شود و می‌توان بازی را جدی‌ترین کار یا تجربه کودکان به حساب آورد. در این صورت نه تنها از بسیاری از نارسایی‌های ذهنی او جلوگیری می‌شود بلکه به مقدار قابل ملاحظه‌ای رشد هوشی‌اش افزایش می‌یابد و به احتمال قوی از نابسامانی عاطفی وی نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد. پیش‌سویان معصوم (ع) نیز به لحاظ بشر بودنشان، در دوران کودکی بیگانه از طبیعت کودکانه نبوده‌اند. در کتاب «ام‌النبی» نوشته بانوی دانشمند، دکتر بنت الشاطی آمده

است هنگامی که آمنه کودک هفت ساله خود را برای زیارت تربت پدرش، عبدالله، به یرب می‌برد. فقط یک بار با او به زیارت قبر پدر می‌رفت و بقیه روزها او را آزاد می‌گذارد تا با کودکان هم سن و سال خود به بازی و مسابقه و شنا بپردازد (بهشتی، ۱۳۶۶: ۶۰).

والدین و مربیان باید آزادی در بازی را از طفل سلب نکنند ولی در عین حال مواظب و مراقب او باشند که گرفتار خطرات و آفات نشود (همان: ۸۰). این مراقبت نشانگر نوعی محبت به کودک و توجه به سلامتی و امنیت اوست.

• نوع بازی

از مشخصات بازی مطلوب در اسلام این است که: **اولاً:** بدآموزی نداشته باشد؛ اثر تربیتی بازی بسته به مضمون آن است. هر اندازه بازی پر محتواتر باشد، اثر تربیتی‌اش بهتر است. بنابراین، مربی باید بتواند بر مضمون بازی، یعنی انتخاب موضوع، تکمیل موضوع بازی و تقسیم نقش‌ها و اجرای آن‌ها تأثیر گذارد و اجازه ندهد جریان بازی به سمتی پیش رود که برای کودک بدآموزی داشته باشد.

ثانیاً: در طریق خیر و صلاح آنان باشد؛

ثالثاً: موجبات رشد همه جانبه را برای کودکان فراهم آورد (قائمی، ۱۳۶۴: ۱۷۸)؛

رابعاً: ضرر و مفسده‌ای در پی نداشته باشد.

بازی و سرگرمی را می‌توان در قالب مسابقه و رقابت سالم بین کودکان ترتیب داد. در سیره ائمه معصومین (ع) نیز این نوع بازی‌ها و مسابقات بسیار دیده می‌شود. در یکی از روایات چنین آمده است: «حسنین (ع) تمرین خط می‌کردند. حسن (ع) گفت: خط من بهتر است و حسین (ع) گفت: خط من از مادر خواستند که میان آن‌ها داوری کند اما مادر نمی‌خواست که با داوری خود، یکی از آن دو را آزرده و دل‌شکسته کند. به همین جهت آن‌ها را نزد امیرالمؤمنین (ع) فرستاد. آن حضرت هم از داوری خودداری کرد و آن‌ها را نزد پیامبر (ص) فرستاد. پیامبر (ص) نیز از داوری خودداری کرد و به جبرئیل حواله داد و جبرئیل نیز به اسرافیل و اسرافیل به خداوند متعال



و خداوند نیز این کار مهم را به خود حضرت زهرا (س) برگرداند.

زهرا (س) فرمود: دانه‌های گردن‌بندم را بر زمین می‌ریزم؛ هر کس دانه‌های بیشتری جمع کرد، خط بهتری دارد. دانه‌های گردن‌بند بر زمین ریخته شد و کودکان برای جمع‌آوری به تلاش و رقابت پرداختند. سرانجام خداوند جبرئیل را مأمور کرد که دانه‌های گردن‌بند را میان آن‌ها نصف کند تا دل هیچ یک، نشکند (بهشتی، ۱۳۶۶: ۶۴).

● محیط بازی

محیط بازی باید امن و وسیع باشد. یکی از درس‌هایی که از داستان یوسف می‌گیریم، این است که بازی و مسابقه در هوای آزاد صحرا، مناسب‌تر است؛ زیرا هم برای سلامت طفل مفیدتر و هم برای آشنایی او با طبیعت لازم‌تر است (بهشتی، ۱۳۶۶: ۵۵).

در ادامه، نمونه‌ای از سیره معصومین (ع) را در این خصوص آورده‌ایم؛ یک روز هنگامی که آفتاب بالا آمده بود، امّ ایمن برای پیامبر خدا (ص) خبر آورد که بچه‌ها گم شده‌اند. هر کس به طرفی رفت اما پیامبر (ص) به سمت دامنه کوه رفت و در آنجا مشاهده کرد که بچه‌ها به هم چسبیده و خوابند و ماری بالای سرشان ایستاده است. پیامبر (ص) به طرف مار رفت؛ مار نیز متوجه پیامبر شد و به سوراخی پناه برد. سپس پیامبر (ص) به سوی بچه‌ها رفت و آن‌ها را از هم جدا کرد و پیشانی‌شان را بوسید و فرمود: «**ما اکر مکما عند الله**»؛ چقدر شما در پیشگاه خدا گرمی هستید! آن‌گاه آن‌ها را بر دوش چپ و راست خود نشاند و به راه افتادند. سلمان فارسی، خطاب به حسنین (علیهما السلام) گفت: چه مرکب خوبی است مرکب شما! و پیامبر (ص) فرمود: چه خوب سواری هستند آن‌ها و پدر آن‌ها بهتر از آن‌هاست. جالب این است که در اینجا پیامبر (ص) عصبانی نمی‌شود و پرخاش نمی‌کند که «شما چرا به دشت و صحرا رفتید تا با این خطرات مواجه شوید». گویا با این رفتار محبت‌آمیز و صحنه عملی گذاردن بر این عمل کودکان، می‌خواهد تفهیم کند که اگر بناست کودکان، مردانی شجاع و کارآزموده شوند، حتماً باید با این‌گونه صحنه‌ها روبه‌رو شوند (بهشتی، ۱۳۶۶: ۷۰).

همچنین طفل، برای بازی احتیاج به فضای کافی دارد و اسلام هم طرفدار خانه وسیع و فضا دار است. امام صادق (ع) فرمودند: **مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ سَعَةُ دَارِهِ**:

داشتن خانه وسیع از سعادت مرد است (شیخ الاسلام، ۱۳۶۴: ۱۲۱).

فضای وسیع و تنوع امکانات برای بازی مثل سه چرخه، اسکیت، تاب و زمینی که بتواند در آن بیل بزند و خانه‌سازی کند، بیش از هر چیز کودک را به فعالیت‌های عضلانی و حرکت سریع برمی‌انگیزد. و در خانه نیز کودک می‌خواهد از همه وسایل و امکانات استفاده کند. عروسک، اسباب نقاشی و تزیین، ساعت، انواع وسایل منزل، حتی چرخ خیاطی و ماشین آب‌میوه‌گیری، کودک را وادار به کنجکاوی درباره آن‌ها می‌کند. در حقیقت، کودک می‌خواهد از هر چیزی که در دسترسش قرار دارد، سر در بیاورد. بنابراین نباید او را منع کرد و سرزنش نمود. اگر محیط بازی و وسایل آن به گونه‌ای باشد که کودک را به تفکر وادارد، رشد عقلانی او پرورش می‌یابد. از لحاظ رشد اجتماعی نیز، کودک باید در محیط بازی با هم‌بازی‌های خود مشغول شود.

لکن باید بر فضای بازی، اخلاق و معنویت حاکم باشد و رابطه هم‌بازی‌ها رابطه گرگ و بره نباشد و دروغ، تزویر، اغواء، انحراف، فریب و خیانت با فضای بازی آمیخته نشود. اگر ارمغان هم‌بازی‌ها برای کودکان این‌ها باشد، باید نوباوگان خود را از آن‌ها دور نماییم. در این صورت، خلأ هم‌بازی خوب را باید خود بزرگسالان پر کنند. چرا که کودک را می‌شود از هم‌بازی بد محروم کرد اما نمی‌شود از بازی برحذر داشت (بهشتی، ۱۳۶۶: ۲۶).

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. بهشتی، احمد؛ **اسلام و بازی کودکان**، تهران: انتشارات اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶.
۳. سید رضی، **نهج البلاغه**، مترجم: جعفر شهیدی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۴. شارب، اولین؛ **بازی تفکر کودک است**، مترجمان: قاسم قاضی و نعمت کدیور، مرکز نشر سپهر، ۱۳۷۳.
۵. شیخ الاسلام، سید جعفر؛ **پرورش کودک از نظر اسلام**، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۴.
۶. صبوری، حسین؛ **ورزش در اسلام**، قم، انتشارات صبوری، ۱۳۸۲.
۷. طباطبایی، محمد حسین؛ **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
۸. غروی، ح؛ **تربیت فرزند**، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی، ۱۳۷۴.
۹. قائمی، علی؛ **تربیت و بازسازی کودکان**، قم: انتشارات الهدی، ۱۳۶۴.
۱۰. قرآنی، محسن؛ **تفسیر نور**، جلد ششم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۸.